



کد گزارش: ۹۷-۵۳

سه نسل از جهادگرایی در کردستان عراق

انستیتوی فرانسوی روابط بین‌الملل

نویسنده:

عادل باخهوان

ترجمه شده در

مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری

۱۳۹۷

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

کد گزارش: ۹۷-۵۳

عنوان گزارش: سه نسل از جهادگرایی در کردستان عراق

Three Generations of Jihadism in iraqi Kurdistan

نویسنده: عادل باخهوان

Adel Bakawan

ناشر: انستیتوی فرانسوی روابط بین الملل

French Institute of International Relations (Ifri)

تاریخ انتشار: ژوئیه ۲۰۱۷

گروه ترجمه: محسن محمودی، سمیرا غلامرضا

ناظران: ابوالفضل غیاثوند، ابوالقاسم اسکندری

مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری

مرداد ۱۳۹۷

کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری است.
هر گونه بازنشر این گزارش بدون اجازه کتبی مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری ممنوع است.

فهرست

۱.....	ضرورت ترجمه گزارش‌های راهبردی
۳.....	چکیده
۳.....	مقدمه
۵.....	نسل اول جهادی‌ها در کردستان عراق
۵.....	از اسلامی کردن مسأله کردستان تا «کردستانی کردن» مسأله اسلام
۸.....	نسل دوم جهادی‌ها
۸.....	گذار به جهادگرایی بین‌المللی
۱۲.....	نسل سوم از جهادی‌ها
۱۲.....	کردهای داعش
۱۶.....	نتیجه‌گیری

ضرورت ترجمه گزارش‌های راهبردی

نوشتارها به افکار جهت و افکار به جهان شکل می‌دهند. جهان امروز نیز دربرگیرنده هزاران اندیشکده، مؤسسه مطالعات راهبردی و اتاق‌های فکری است که کارشناسان و تحلیل‌گران راهبردی را در خود گرد آورده‌اند و با انتشار گزارش‌های راهبردی بر افکار سیاستمداران، بخش خصوصی، رسانه‌ها و جوامع تأثیر می‌گذارند. نزدیک به هفت هزار اندیشکده در جهان وجود دارد که مجموعه گسترده‌ای از دانش راهبردی درباره موضوعات مختلفی از محیط‌زیست تا اقتصاد، روابط بین‌الملل، و مسائل نظامی و امنیتی را منتشر می‌کنند. این مؤسسات هم‌چنین می‌کوشند تا برآوردهای خود از آینده را نیز ارائه کنند و آینده‌پژوهی یکی از مهم‌ترین اقدامات آن‌هاست.

آگاهی یافتن از موضوعات مدنظر اندیشکده‌ها و مؤسسات مطالعات راهبردی در جهان یکی از ضرورت‌های تفکر راهبردی در ایران است. تحلیل‌گران و استراتژیست‌های ایرانی برای ارائه تحلیل‌هایی که متضمن تأمین منافع ملی باشد به شناخت گزارش‌های اندیشکده‌های خارجی نیازمند هستند. این‌گونه گزارش‌ها هم‌چنین به لحاظ روش‌شناختی نیز گاه حائز اهمیت هستند. پوشیده نیست که هنوز روش‌شناسی پژوهش‌های راهبردی و حتی گاه شیوه نگارش گزارش‌های راهبردی مؤثر نیز در میان بسیاری از اندیشکده‌های ایرانی کاستی‌هایی دارد.

مرکز بررسی‌های استراتژیک با هدف توجه دادن کارشناسان و تحلیل‌گران کشور، و هم‌چنین جهت اطلاع‌یابی مدیرانی که در معرض مسائل و تصمیم‌گیری‌های راهبردی هستند، نسبت به ترجمه و بنا به مورد انتشار محدود یا عمومی مجموعه‌ای از متون راهبردی اقدام می‌کند. مرکز بررسی‌های استراتژیک اگرچه پیشگفتارهای کوتاهی را به ابتدای این گزارش‌ها می‌افزاید و تلاش دارد تا قرائت تحلیل‌گران این مرکز از هر گزارش را ارائه نماید، اما مندرجات این گزارش‌ها الزاماً بیانگر دیدگاه‌های مرکز بررسی‌های استراتژیک نیستند. امید است این اقدام به تعمیق تفکر راهبردی کمک نماید. مرکز بررسی‌های استراتژیک از هرگونه نقد و نظر و هم‌چنین دریافت نظرات مخاطبان این مجموعه درباره مندرجات گزارش‌ها استقبال می‌کند. کارشناسان و تحلیل‌گران هم‌چنین می‌توانند متون راهبردی را که ترجمه و ارائه آن‌ها به جامعه کارشناسان و تحلیل‌گران راهبردی کشور مناسب است به این مرکز پیشنهاد کنند.

حسام‌الدین آشنا

رئیس مرکز بررسی‌های استراتژیک

در فرانسه، انستیتوی فرانسوی روابط بین‌الملل^۱ یکی از مراکز مستقل پیشگام در پژوهش، اطلاع‌رسانی، و بحث و مناظره درباره مسائل عمده بین‌المللی است. این انستیتو در سال ۱۹۷۹ به همت تیری مونت‌بریال^۲ بنیان گذاشته شد و رسماً به‌عنوان یک سازمان غیرانتفاعی شناخته می‌شود (قانون سال ۱۹۰۱). این انستیتو تحت هیچ‌گونه نظارت دولتی قرار ندارد و دستور کار پژوهشی خود را آزادانه تعیین می‌کند و معمولاً پژوهش‌های خود را به صورت مکتوب یا در اینترنت منتشر می‌سازد.

انستیتوی فرانسوی روابط بین‌الملل با استفاده از یک رویکرد بین‌رشته‌ای، سیاست‌گذاران و کارشناسان بین‌المللی را از رهگذر پژوهش و مباحثات خود گردهم می‌آورد.

انستیتوی فرانسوی روابط بین‌الملل و دفتر آن در بروکسل، یکی از معدود اندیشکده‌های فرانسوی محسوب می‌شود که توانسته است موقعیت خود در بطن مذاکرات پارلمانی اروپایی را تثبیت کند. دیدگاه‌هایی که در این مقاله مطرح شده‌اند، صرفاً افکار نویسنده بوده و لزوماً بازتاب دیدگاه‌های رسمی این انستیتو نیستند.

درباره نویسنده

عادل باخه‌وان، جامعه‌شناس، پژوهشگر مدرسه مطالعات پیشرفته علوم اجتماعی در پاریس^۳ و مرکز تحلیل و پیشگیری جامعه‌شناختی^۴ است. او هدایت گروهی پژوهشی درباره «استقلال، تجزیه‌طلبی، انضمام‌طلبی^۵ و ملت‌سازی» را در بنیاد علوم انسانی^۶ در پاریس بر عهده دارد.

1. French Institute of International Relations (Ifri)
2. Thierry de Montbrial
3. School for Advanced Studies in the Social Science in Paris
4. Centre for Sociological Analysis and Intervention
5. irredentism
6. Fondation Maison des sciences de l'homme

چکیده

این گزارش به دنبال توصیف و تبیین این مسأله است که تغییرات ساختاری چگونه سه نسل از جهادی‌ها را در کردستان عراق تحت تأثیر خود قرار داده‌اند: نسل جهادی دهه ۱۹۸۰، نسل انصارالاسلام در دهه ۲۰۰۰ و نسل کردهای دولت اسلامی یا داعش در دهه ۲۰۱۰. این تغییر و تحولات ایدئولوژیک چگونه در بین کردهای مسلمان ترویج پیدا کرده‌اند؟ چگونه از برنامه ابتدایی خود در راستای اسلام‌گرایی دست کشیدند تا به جهادگرایی برسند و از پارادایم اسلامی کردن جامعه از پایین به پارادایم کنترل دولت از رهگذر جهاد رسیده‌اند. تلقی حکومت اقلیم کردستان از تهدید نسل سوم جهادی‌ها و استراتژی آن برای واکنش به این تهدید مورد بررسی قرار خواهد گرفت و نگاه موشکافانه‌تری بر نقاط ضعف حکومت کردستان عراق و وابستگی بیش از حد آن بر اتحاد با واشنگتن انداخته می‌شود.

مقدمه

کردستان عراق که پیشتر به عنوان منطقه‌ای امن و باثبات^۷ در میانه خاورمیانه پر هرج و مرج و متزلزل شناخته می‌شد،^۸ در سال ۲۰۱۶ هدف موجی از حملات قرار گرفت. بین سپتامبر و دسامبر آن سال، پنج عملیات تروریستی تحت رهبری ۲۴۹ جهادی گُرد تحت سازماندهی دولت اسلامی یا داعش انجام گرفت که حکومت اقلیم کردستان ۴۷ تن از آنان را کشته و ۴۳ تن دیگر را نیز بازداشت کرد.^۹ در واقع، کردستان عراق با جمعیت پنج میلیون نفری خود، ۲ هزار نیروی جهادی در اختیار داعش گذاشته است.^{۱۰} از زمان حمله به موصل در ۱۷ اکتبر ۲۰۱۶،^{۱۱} کردستان مانند بسیاری از کشورهای منطقه و برخی از کشورهای اروپایی، خود را آماده مواجهه با بدترین کابوس خود کرده است: بازگشت جهادی‌های گُرد به منطقه اقلیم. با اینکه مجموعه‌ای از تهدیدات؛ مانند بحران‌های اجتماعی و اقتصادی، شکاف سیاسی بین احزاب رقیب؛ حزب دموکرات کردستان مسعود بارزانی و اتحاد میهنی کردستان جلال طالبانی،^{۱۲} چشم‌انداز یک جنگ داخلی تازه و مداخله کشورهای همسایه بر شانه رهبران حکومت اقلیم کردستان سنگینی می‌کند، بازگشت کردهای داعش در حال حاضر از همه دردسرها فرین‌تر است.

7. O. Weber, "L'exception kurde" [The Kurdish Exception], Le Point, 27th January 2005, www.lepoint.fr (Accessed on 8th January 2017).

8. E. Rogan, *The Arabs: A History*, New York, Basic Books, 2011.

9. A. Bakawan, "Au Kurdistan irakien, la grande confrontation pourrait bien opposer forces chiites et kurdes" [Iraqi Kurdistan, the Great Confrontation Could Well Oppose Shi'ite and Kurdish Fortes], Le Monde, 17th January 2017, www.lemonde.fr

۱۰. از ژانویه ۲۰۱۵، من مشغول اداره گروه پژوهشی بنیاد دابرا دربارۀ کردهای داعش بودم. این بنیاد یک پایگاه داده معمولاً به‌روز ایجاد کرده است که تیم مدیریت، آن را در اختیار ما گذاشت و در این پژوهش از آن استفاده کردیم و به این خاطر قدردان هستیم. تاکنون، ۲۵۷ کرد داعش را شناسایی کرده‌ایم، اما سازمان‌های مختلف حکومت اقلیم کردستان تایید کردند که این گروه بالغ بر ۲ هزار نفر می‌شود؛ ملا بختیار، مسئول دفتر سیاسی اتحادیه میهنی کردستان طی مصاحبه‌ای در ۲۰ ژانویه ۲۰۱۷ این رقم را تایید کرد.

11. D. Papin J. Grandin, P. Breteau, L. Imbert and F. Fattori, "Comment la bataille contre l'Etat islamique S'organise-t-elle autour de Mossoul?" [Is the Battle against the Islamic State Organized around Mosul?], Le Monde, 17th October 2016, www.lemonde.fr.

12. S. Bahadin, "La division du Kurdistan et la guerre civile sont tout d fait possible" [The Possible Division of Kurdistan and the Civil War], Rudaw, 7th February 2017, www.rudaw.net, Debate meeting with Kurdish intellectuals.

برای درک این پدیده و تأثیر آن بر حکومت اقلیم کردستان نیازمند یک چارچوب تاریخی-اجتماعی هستیم. جهادگرایی کردستان یک پیشینه متلاطم ۳۷ ساله دارد. این پدیده در سال ۱۹۸۰، خود را به‌عنوان یکی از پیامدهای تغییرات در نهضت اسلامی کردستان نشان داد.^{۱۳} خاستگاه این نهضت در دهه ۱۹۵۰ در حلبچه، شهری واقع در ۲۴۰ کیلومتری شمال شرقی بغداد و ۱۴ کیلومتری مرز ایران، ریشه دارد.^{۱۴} مدت‌های طولانی، اسلام‌گرایی کردی در فرآیند «عراقی شدن»^{۱۵} قرار داشت و تحت سلطه کامل اخوان‌المسلمین عراق بود. اخوان کردی مانند عراقی‌ها می‌اندیشیدند، سخن می‌گفتند و زندگی می‌کردند و دشمن قسم‌خورده خود را الگو قرار دادند: حزب کمونیست عراق.^{۱۶} در واقع، هدف آنها بازگشت جامعه به اسلام‌گرایی از پایین با بکارگیری تنها یک شیوه بود؛ دعوت.^{۱۷} مسجد محل، ایده‌آلی برای وقوع این اسلام‌گرایی دوباره بود. از دهه ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰، پارادایم غالب نه کنترل دولت، انقلاب، جهاد و کلاً خشونت بلکه بازسازی کردها مطابق با برنامه جامعه‌پذیری مذهبی بود که اخوان‌المسلمین با دقت تمام در بغداد تدوین کرده و در کل شهر حلبچه و مرکز اسلام‌گرایی در منطقه کردستان به اجرا در آورد.^{۱۸}

ایدئولوژی چهره‌های کلیدی اسلام‌گرای کرد چگونه تحول پیدا کرد و از پارادایم اسلامی‌سازی دوباره جامعه از پایین به اسلامی‌سازی به‌واسطه کنترل دولت و از طریق جهاد تغییر یافت؟ نسل‌های جهادی دهه ۱۹۸۰، نسل انصارالاسلام در دهه ۲۰۰۰ و نسل کردهای داعشی در دهه ۲۰۱۰ چگونه با هم پیوند می‌یابند؟ هدف این تحلیل مقایسه سه نسل از گروه‌های جهادی در کردستان و تعریف ویژگی‌های بارز و منحصر به فرد هر کدام از این نسل‌ها است.^{۱۹} تهدید نسل سوم از جهادی‌ها از نظر حکومت اقلیم کردستان و استراتژی آن در مواجهه با این «شیاطین» در آینده مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت. طبعاً، توافقی که در سال ۲۰۰۱ بین ایالات متحده و حکومت اقلیم کردستان علیه جهادی‌های کرد و بین‌المللی منعقد شد، مورد ارزیابی موشکافانه قرار خواهد گرفت. این توافق دو مرتبه حکومت اقلیم کردستان را از شر تهدید مستقیم جهادی‌ها نجات داده است: در سال ۲۰۰۳ در برابر انصارالاسلام و در سال ۲۰۱۴ در برابر داعش که باعث شد نیروهای امنیتی کرد به لحاظ ساختاری به واشنگتن وابسته شوند؛ وابستگی که شکنندگی و تزلزل شدید حکومت اقلیم کردستان را نشان می‌دهد.

13. A Bakawan, L'Islamisme en mutation. Une etude pluridisciplinaire sur la mouance islamiste kurde [The Mutation of Islamism: A Multidisciplinary Study on the Kurdish Islamist Movement], Paris, EHESS, 2010 (Doctoral dissertation under the direction of Olivier Roy).

14. M. Karzan, Jinosaidi Halabja le mydia cihaniekanda [The Halabja Genocide in the Interactional Media], Sulaimani, Editions Assya, 2016.

15. Iraqisation

16. H. Batatu, The Old Social Classes and the Revolutionary Movements of Iraq: A Study of Iraq's Old landed and Commercial Classes and of its Communists, Ba'athists, and Free Officers, Princeton, Princeton University Press, 1989.

۱۷. برای درک این مفهوم قرآنی ر.ک.

M. Ali Amir-Moezzi, Dictionnaire du Coran [Dictionary of the Quran], Paris, Robert Laffont, 2017, p.69.

18. M. De Postis, "Le Kurdistan irakien : une autonomie controlee" [Iraqi Kurdistan: Controlled Autonomy], Revue internationale et strategique No. 1/2003 (Vol. 49), pp. 130-137.

۱۹. این اثر حاصل بیش از ۱۰ سال پژوهش میدانی درباره اسلام‌گرایی و جهادگرایی در کردستان است. برخی از تکنیک‌های روش‌شناختی (مصاحبه‌ها، مشاهده، تحلیل گفتمان، تحلیل کتابخانه‌ای، داده کمی) به کار گرفته شده‌اند، زیرا ما معتقدیم که تنها رویکردهای کمی و کیفی در کنار یکدیگر می‌توانند به طبقه‌بندی منتهی شوند که بازتاب دقیقی از واقعیت افراد مورد مطالعه باشند.

نسل اول جهادی‌ها در کردستان عراق

از اسلامی کردن مسأله کردستان تا «کردستانی کردن» مسأله اسلام

در سال ۱۹۷۹، سه عامل عمده *ایدئولوژی، پارادایم و سازماندهی*، اسلام‌گرایی کردی را تحت تأثیر قرار دادند. در آن سال، صدام حسین رئیس‌جمهور عراق شد. از همان لحظه، صدام به خشونت سیاسی بی‌سابقه‌ای دست زد^{۲۰} و اعضای اخوان‌المسلمین از جمله نخستین قربانیان بودند. از نظر صدام حسین، اخوان‌المسلمین که پایگاه اجتماعی مشترکی با حزب او داشت، تهدیدی از جانب سنی‌های عراق محسوب می‌شد و این امر به دل‌مشغولی صدام برای نابودی آنان منتهی شد. در اوج این سرکوب‌ها، دو رویداد مهم مسیر ۳۰ ساله روابط تنگاتنگ اخوان‌المسلمین بغداد با شاخه کردی اخوان‌المسلمین را تغییر داد: اعلام جهاد علیه اشغال شوروی در افغانستان^{۲۱} و استقرار جمهوری اسلامی در ایران.^{۲۲}

وقتی افغان‌ها اعلام جهاد کردند، همه عناصر سازمان بین‌المللی اخوان‌المسلمین خود را وقف حمایت و پشتیبانی از آنها کردند.^{۲۳} مهمتر از همه اینکه، رسانه‌های سازمان بین‌المللی اخوان‌المسلمین مشروعیت دعوت افغان‌ها به جهاد را به رسمیت شناختند و این پیام را به سراسر جهان مخابره کردند. سپس، شبکه‌های مالی این سازمان در قلمروی جهاد راه‌اندازی شدند و در پروژه‌های متعدد شروع به فعالیت کردند. در نهایت، اخوانی‌ها اجازه پیوستن به «کاروان جهاد» را پیدا کردند.^{۲۴} اخوان‌المسلمین کردستان از این رویکرد حمایتی چندوجهی الهام گرفته بود: رهبران سازمان بین‌المللی اخوان‌المسلمین در دهه ۱۹۸۰ برای ترویج ایده جهاد علیه عراق صدام حسین در دویی دیدار کردند، اما سازمان با رد این احتمال، اخوان‌المسلمین کردستان را به اخراج تهدید کرد. کردستان، افغانستان نیست، بخشی از عراق است و حتی اگر رژیم صدام حسین به سرکوب اخوان‌المسلمین در عراق بپردازد، تنها منبع قابل اتکای مقاومت در برابر گسترش سلطه شیعیان بر اهل سنت حکایت دارد. ایجاد بی‌ثباتی در عراق «معصیت» است.^{۲۵} اکثریت اخوان‌المسلمین کردستان که از این رویکرد تاکتیکی در قبال وضعیت عراق یکه خورده بودند، تصمیم به مقابله با سازمان بین‌المللی اخوان‌المسلمین گرفتند. آنها با مقایسه مسأله کردستان با نهضت افغان

20. K Makiya, Republic of Fear: The Politics of Modern Iraq Updated Edition, Berkeley (CA), University of California Press, 1998. Also see M. Naim, "saddam Hussein, le pouvoir par la terreur" [Saddam Hussein: Power through Terror], Le Monde, 30th December 2006, www.lemonde.fr (accessed on 10th February 2017).

21. O. Roy, L'Afghanistan. Islam et modernité politique [Afghanistan: Islam and Political Modernity] Paris, Seuil, 1985.

22. F. Khosrokhavar, Anthropologie de la révolution iranienne : le rêve impossible [Anthropology of the Iranian Revolution: The Impossible Dream], Paris, L'Harmattan, 2000.

23. J.-P. Filiu, Les Neuf Vies d'Al-Qaïda [Al-Qaïda's Nine Lives], Paris, Fayard, 2009.

۲۴. عبدالله یوسف عزام که به عنوان متحد افغان‌ها و نظریه‌پرداز جهاد در افغانستان شناخته می‌شود، یکی از رهبران اخوان‌المسلمین بود. پیوستن به کاروان جهاد، اثر اصلی او بود که به هفت زبان نیز ترجمه شده است و از جوانان اخوان می‌خواهد که ائتلاف وقت نکرده و به محض آنکه شرایط برای آنها فراهم شد به کاروان جهاد در افغانستان ملحق شوند. برای مطالعه منتخبی از این کتاب، ر.ک.

G. Kepel, Al-Qaïda dans le texte [AL Qaeda in its own words], Paris, PUF, 2008.

۲۵. مصاحبه با مشیر گلایلی، یکی از رهبران جهادی‌های کرد نسل اول که اکنون در لندن اقامت دارد، ۲۵ سپتامبر ۲۰۰۹.

برای اولین بار این مسأله را مقدم دانسته و رژیم بعث را به رژیم «کافر» تشبیه کردند^{۲۶} که کردستان را اشغال کرده است و آن را با رژیم کمونیست اشغالگر افغانستان یکی دانستند.

این روایات متناقض خیلی زود به تغییر پارادایم منتهی شد: اخوان المسلمین کردستان از تاکتیک بازگشت جامعه به اسلام‌گرایی از پایین از طریق دعوت، به برنامه‌آزادسازی کردستان از چنگال رژیم با الهام مستقیم از جهاد افغان‌ها (جنگ مردم برای آزادی خود) رسید تا در نهایت به ایجاد یک جمهوری اسلامی کردی/سنی بیانجامد که ایران، همسایه آنها الگوی آن محسوب می‌شد. پژوهشگران جهادی این دوران در راستای منبع مشروعیت برای یک جهاد «ملی» با هدف آزادسازی یک «ملت» مظلوم از دست یک قدرت «ظالم»^{۲۷}، خصوصاً در قرآن و سنت، به دنبال سنت‌های اسلامی می‌گشتند.

این پارادایم جدیدی که اخوان المسلمین کردستان اتخاذ کرده بود، از دعوت نرم به جهادگرایی رادیکال، از اسلام‌سازی دوباره از پایین به اسلام‌سازی دوباره از بالا، از آموزش تا انقلاب، از ساخت فرد مسلمان به ساخت دولت اسلامی و شکاف سازمانی نیز همراه بود. چهره‌های حاضر در این نسل جهادی که احساس می‌کردند برادران عربشان به آنها خیانت کرده‌اند، تمام روابط سازمانی و سلسله مراتبی خود با سازمان بین‌المللی اخوان المسلمین را پیش از آن که این سازمان رسماً اخراج آنها را اعلام کند، قطع کردند. یکی از چهره‌های کلیدی درباره این گسست می‌گوید:

«در سال ۱۹۸۷، عثمان عبدالعزیز، رئیس اخوان المسلمین کردستان که رهبر نهضت جهاد کردستان شد، نامه‌ای از سازمان بین‌المللی اخوان المسلمین دریافت کرد که از او می‌خواست دست از جهادی بکشد که علیه عراق صدام حسین در جنگ با [آیت‌الله] خمینی رهبر شیعه ایران، اعلام کرده بود. عثمان عبدالعزیز نامه را با صدای بلند جلوی اعضای دفتر سیاسی قرائت کرد، سپس خط اول نامه را که با «بسم الله الرحمن الرحيم» شروع می‌شد جدا کرده و باقی نامه را زیر پا انداخت و گفت: «من یک کرد مسلمان جهادی هستم. من یک انسان آزاده هستم؛ کسی نمی‌تواند به من دستور بدهد».^{۲۸}

این امر سبب یک شکاف ایدئولوژیک، پارادایمی و سازمانی شد و در نتیجه تاریخ نسل اول از جهادی‌های کرد آغاز شد. دیگر ویژگی‌های این نسل چه بودند؟

نخست، رهبری کلی آنان در اختیار علمای (روحانیون اهل سنت) اسلامی قرار گرفت. در سنت کردی، فرد برای «علیم» شدن باید مدارس مذهبی را که در کردی به آن حجره گفته می‌شود، پشت سر بگذارد. در این مدارس، ۱۲ زمینه مختلف، از آموزش قرآن تا فلسفه مورد مطالعه قرار می‌گیرند. علما (جمع علیم) نظارت دقیقی بر

۲۶. فاتح کریکار (که عمدتاً با عنوان ملا کریکار شناخته می‌شود) یکی از نظریه‌پردازان جهادگرایی کردی است. او در کتاب خود با عنوان الحركه الاسلاميه في كردستان العراق (نهضت اسلامی در منطقه کردستان عراق) پروژه اسلام‌گرایی رادیکال و «کردستانیزه کردن» سخن گفت.

۲۷. مصاحبه با ابوبکر علی، یکی از مشهورترین متفکران نهضت اسلامی اخوان در کردستان، ۲۲ آوریل ۲۰۱۶، سلیمانیه.

۲۸. مصاحبه با عرفان عبدالعزیز، رئیس کنونی نهضت اسلامی کردستان که بخشی از حکومت اقلیم کردستان و اعضای پارلمان است، ۲۲ سپتامبر ۲۰۱۶، سلیمانیه.

فعالیت‌های شبه‌نظامی جهادی داشتند؛ آنها تضمینی برای مردم محسوب می‌شدند که بر اسلام‌گرایی نظارت وجود دارد. این رهبری منحصراً متشکل از مردان ۴۵ تا ۶۰ سال بود. پایگاه شبه‌نظامی از طریق ایدئولوژی اسلام‌سازی دوباره؛ تعهد و زهد و برخورداری از بینشی روشن درباره اقدام خود پالایش می‌شد. در حالی که زنان در رهبری کلی کلاً حضور نداشتند،^{۲۹} پایگاه شبه‌نظامی این نسل بسیار پیچیده بود: «درست است که ما شاهد حضور زنان سلاح به دست در خط مقدم نبودیم، اما آنها در باقی اقدامات جهادی ما مسئولیت‌هایی داشتند».^{۳۰} تحصیلات دانشگاهی شبه‌نظامیان از دیگر ویژگی‌های برجسته آنان محسوب می‌شد. در حالی که اکثر اعضای کادر مدیریت برآمده از حجره (مکتب اسلامی) بودند، اکثریت غالب شبه‌نظامیان، دانش‌آموخته مدارس جمهوری عراق بودند. آنها که اغلب در علوم طبیعی تا سطح دکتری نیز تحصیل کرده بودند، به خوبی می‌دانستند که به دنبال کمال چه جامعه‌ای هستند و علیه کدام قدرت دست به جهاد می‌زنند. در نهایت، تروریسم را به عنوان یک سلاح مبارزاتی رد کرده و شکاف روشنی بین گستره جهاد و تروریسم قائل بودند:

«ما در جنگ با ارتش رژیم بعث هستیم و نه جامعه، به همین خاطر هرگز شهروندان را به قتل نرساندیم، هرگز از بمب‌گذاری در خیابانها استفاده نکردیم، حتی کسی را هم گروگان نگرفتیم، ما خواهان یک دولت اسلامی هستیم، نه یک دولت تروریستی».^{۳۱}

بیست سال بعد، تروریسم به سلاح اصلی جهادی‌های نسل دوم و سوم بدل شد.

جهادی‌های کرد در نبرد خود علیه دولت عراق در دهه ۱۹۸۰ در کوهستان‌های دو سوی مرز عراق-ایران مستقر شده و حول نهضت اسلامی در کردستان (بزوتنه‌وه) متحد شدند^{۳۲} و ناگهان در سال ۱۹۹۱ خود را در کردستانی یافتند که از «اشغال» عراق آزاد شده بود.^{۳۳} در این سرزمین که از سوی یک حکومت منطقه‌ای کردستان اداره می‌شد،^{۳۴} دو طرح متضاد رو در روی هم قرار گرفتند. اولی طرح اسلام‌گرایی جهادی نهضت اسلامی کردستان بود که هدف آن بازگشت جامعه به اسلام‌گرایی در پاسخ به مسأله کردستان بود؛ و دیگری طرح ملی‌گرایان اتحاد میهنی جلال طالبانی و حزب دموکرات کردستان مسعود بارزانی بود که به فرایند ایجاد هویت کردی به جای اسلام‌گرایی دست زدند. به مدت یک قرن، چهره‌های ملی‌گرا از شریف پاشا^{۳۵} گرفته تا مسعود بارزانی که سیستمی پیچیده را

۲۹. مطابق سنت کردی، زنان حق علیم شدن به تعبیر مذهبی آن را نداشتند: پیش‌نماز بودن در مسجد یا ارائه خطبه نماز جمعه.

۳۰. مصاحبه با مشیر گلالی.

۳۱. مصاحبه با عرفان عبدالعزیز.

32. A. BakawaN, doctoral dissertation, op. cit [۷].

۳۳. مصاحبه با صلاح‌الدین بهال‌الدین، رئیس اتحاد اسلامی کردستان، اربیل، ۲۰ سپتامبر ۲۰۱۳. شاید برای یکی از ناظران خارجی تعجب‌آور باشد که اسلام‌گرایان کرد، برادران عرب اهل سنت خود را اشغال‌گر می‌دانند، اما این بحث در واقع واقعیت نسل اول جهادی‌ها است.

۳۴. برای اطلاع درباره شرایط آزادسازی کردستان، ر.ک.

C. Kutschera, *Le Defi kurde ou le reve fou de L'indpendance* [Kurdish Defiance or the Crazy Dream for Independence], Paris, Bayard Jeunesse, 1997.

۳۵. شریف پاشا (۱۸۶۵-۱۹۵۱) یکی از بازیگران سیاسی بود که در ابتدای قرن بیستم نمایندگی مردم کردستان در اروپا، خصوصاً پاریس را برعهده داشت. ر.ک.

C. Kutschera, *Le Mouuemant national kurde* [The Kurdish National Movement], Paris, Flammarion, 1992.

برای فرآیند مقدس‌سازی نمادها ایجاد کرده بود، به طرح مسأله کردستان پرداخته بودند. هدف جهادی‌ها تصاحب مالکیت این نظام و تغییر آن در راستای منافع خودشان بود تا عنصر اسلامیت را در پاسخ به مسأله کردستان ارتقاء داده و نمایندگان نهضتی ملی شوند، درست همان کاری که جهادی‌های افغان در شرایط و زمینه خاص خود انجام داده بودند. با این حال، جهادی‌های کرد با گروهی از ملی‌گرایان مواجه بودند که نه تنها برای جلوگیری از تحقق رویای بازگشت جامعه به اسلام‌گرایی مانع‌تراشی می‌کردند، بلکه خواهان تأکید بر «کردستان‌گرایی» در مقابل اسلام‌گرایی نیز بودند. ملی‌گرایان کرد با وقوف به اهمیت نفوذ و تأثیر اسلام، قصد قلع و قمع نسل اول جهادی‌ها را نداشتند بلکه می‌خواستند از طریق ادغام آنها در نظام سیاسی حکومت اقلیم کردستان با آنان سازش کنند.^{۳۶}

مشوق‌ها و محرک‌های این دو طرح متناقض در کنفرانس‌ها، مناظرات، جلسات؛ و همچنین تقابل‌های نظامی در قالب دو دوره جنگ داخلی بین سال‌های ۱۹۹۳ و ۱۹۹۶ با یکدیگر رقابت ایدئولوژیک داشتند. در این دوران، نیروهای مسلح اتحاد میهنی جلال طالبانی تمام پایگاه‌های نظامی جهادی‌ها را نابود کردند، عثمان عبدالعزیز، رهبری آنها بازداشت شد و بیش از هزار جنگجو نیز کشته شدند.^{۳۷}

همچنین باید اشاره کرد که جنوب کردستان عراق عرصه نفوذ ایران است، این کشور مشخصاً بر تحولات سیاسی منطقه نظارت دارد؛ ثبات، صلح و کنترل این منطقه از اهمیتی حیاتی برای منافع ملی ایران برخوردار است. ایران از متحدان نسل اول جهادی‌ها و اتحادیه میهنی تحت رهبری طالبانی سکولار و ناسیونالیست بود؛ در نتیجه جمهوری اسلامی درگیر فرایند آشتی میان جهادی‌ها و ملی‌گرایان کرد بود و از ورود جهادی‌ها به حکومت اقلیم کردستان حمایت می‌کرد که تلاش می‌کردند رویای اصلی خود را به دست فراموشی بسپارند: ایجاد یک دولت اسلامی در کردستان. آنها وزیر، معاون اجرایی وزرا و قائم مقام شدند ...^{۳۸}: و پروژه ملی‌گرایی کردستان در برابر نهضت اسلامی پیروز شد.

نسل دوم جهادی‌ها

گذار به جهادگرایی بین‌المللی

ناکامی برنامه اسلام‌گرایی در کردستان و ورود چهره‌های اصلی نسل اول به نظام سیاسی که حزب دموکرات کردستان و اتحادیه میهنی کردستان شکل داده بود، موجبات رادیکال شدن گروهی جدید از افراد را فراهم آورد. این افراد که ریشه در چارچوب اسلامی اولیه داشتند، اما از کمتر نشانی از آن برخوردار بودند، کسانی به شمار می‌آمدند که مطلقاً مخالف «تسلیم» در برابر ملی‌گراها بوده و از اقدام جهادی رادیکال بر مبنای الگوی اسامه بن

۳۶. مصاحبه با ملا بختیار، مسئول دفتر سیاسی اتحاد میهنی کردستان، پاریس، ۲۰ ژانویه ۲۰۱۷.

۳۷. مشیر گلالی، رهبر جهادی‌های کردی نسل اول این آمار و ارقام را ارائه داده است.

۳۸. عادل ستار مجید، رئیس دفتر نظامی، وزیر کشاورزی شد؛ علی بابیر، نظریه‌پرداز جهادی کرد، قائم مقام شورای ملی عراق شد؛ مروان گلالی، رادیکال‌ترین مرد این نسل، رئیس گروه پارلمانی کمال شد، سازمانی که اکثریت جهادی‌های پیشین را فراهم می‌آورد. ر.ک. به وبگاه رسمی حکومت اقلیم کردستان:

لادن القاعده حمایت می‌کردند. ملا کریکار که از ایدئولوگ‌های آشنا به جهاد افغان‌ها بود و سال‌ها با عبدالله عزام همکاری کرده بود،^{۳۹} مظهر این شکل تازه از رادیکالیسم شد.^{۴۰}

در ۱ سپتامبر ۲۰۰۱، این رادیکال‌ها که نهضت اسلامی کردستان را ترک کرده بودند، در لوای سازمان جدیدی با نام جندالاسلام دوباره گردهم آمدند. ده روز بعد، در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، اعضای القاعده به حملات بزرگی در نیویورک و واشنگتن دست زدند. در ۷ اکتبر ۲۰۰۱، عملیات‌های نظامی ایالات متحده علیه طالبان در افغانستان آغاز شد.^{۴۱} در ۵ دسامبر ۲۰۰۱، جندالاسلام برای تشکیل سازمان انصارالاسلام با گروه ملا کریکار ادغام شد.^{۴۲} بارزترین شاخصه این سازمان شیوه آن بود: برای اولین بار در تاریخ مدرن کردستان عراق، یک سازمان، تروریسم را به عنوان سلاح مبارزه خود انتخاب نموده و آن را به شیوه‌ای عجیب مورد استفاده قرار داد (قرار دادن گروگان‌ها در برابر دوربین، بمب‌گذاری‌های انتحاری، بمب‌گذاری خودروها، غیره).^{۴۳}

از این رو، آیا شاهد ظهور نسل دوم از جهادی‌ها بوده‌ایم؟ بخش اعظمی از انصارالاسلام از نهضت اسلامی کردستان عثمان عبدالعزیز جدا شده بود، هرچند کریکار تنها عضوی نبود که در رهبری کلی حضور دارد. علما که در کنترل نهضت اسلامی در کردستان بودند، معمولاً رادیکال‌ها را به دو دلیل از رهبری کلی خود اخراج می‌کردند: سطح پایین تحصیلات آنها در علوم مذهبی و سن آنها که برای عهده‌داری این مسئولیت‌ها بسیار جوان تلقی می‌شدند.^{۴۴} هرچند، در شرایط پر هرج و مرج کردستان در دهه ۱۹۹۰ (جنگ داخلی، بحران اقتصادی، فساد گسترده، نابرابری بی‌سابقه ثروت و فقر بین طبقات اجتماعی، ارتباط سریع با جهان خارج)^{۴۵} آنهایی که از رهبری اخراج شده بودند، موفق شدند اردوگاه‌های آموزشی برپا کنند که در آنها نسل دوم جهادی‌ها آموزش دیدند.

۳۹. عبدالله عزام در سطح بین‌المللی به عنوان نظریه‌پرداز جهاد افغان شناخته می‌شود. برای اطلاعات بیشتر، ر.ک.

J.-P. Filiu, op. cit [16].

۴۰. کریکار با نام واقعی نجم‌الدین فرج که در سال ۱۹۶۱ دیده به جهان گشوده، بخشی از خانواده‌ای بزرگ (هفت برادر و چهار خواهر) با پیشینه اجتماعی ساده و محقر (پدرش یک پلیس و مادرش خانه‌دار) بود. او در ۱۷ سالگی به پیشمرگه‌های حزب دموکرات کردستان پیوست. کریکار بعد از شورش نافرجام مصطفی بارزانی در سال ۱۹۵۷، مسیر اخوان‌المسلمین کردستان را دنبال کرد. در اواسط دهه ۱۹۸۰، ابتدا به ایران و سپس به پاکستان مهاجرت کرد و آنجا در دانشگاه ابوبکر سلفی به تحصیل پرداخت. او در اواخر دهه ۱۹۸۰ در افغانستان بخشی از جهادگرایان نسل اول شد و تلاش کرد که این جریان را به رادیکالیسم سوق دهد. او در سال ۲۰۰۱ رهبر انصارالاسلام شد و در ۲۰۰۲ در فرودگاه تهران از سوی مقامات ایرانی بازداشت و به نروژ انتقال داده شد. او در حال حاضر در نروژ در بازداشت خانگی به سر می‌برد و موقعیت خود به عنوان پناهنده سیاسی را از دست داده است (در سال ۱۹۹۰ به دست آورده بود). کشور میزبان وی منتظر است تا اوضاع در عراق تثبیت شود تا او را از قلمرو خود اخراج کند. ر.ک. مصاحبه کریکار با استاندارد رویو، به زبان کردی، اپریل، ۱۸ اوت ۲۰۰۸.

41. J.-C. Jauffret, *Afghanistan 2001-2010*, Paris, Autrement, 2010.

42. A Bakawan, *Binakrdni komelayetyanei tyrorysm [The Social Construction of Terrorism]*, Sulaimani, Sardam, 2007, p. 360.

43. Refer to the press release of Ansar al-Islam, published in the weekly paper, *Hawlati*. No. 53, on 24th December 2001.

44. Interview with Mushir Galali, op. cit. [18].

45. E. Picard, "Les Kurdes et l'autodetermination. Une problematique legitime a l'epruve de dynamiques sociales" [Kurds and Self-Determination: A Legitimate Problem Facing the Test of Social Dynamics], *Revue française de Science politique*. Paris, Vol. 49, No. g. 1999, pp. 421-442.

برخلاف اعضای نسل اول رهبری، هیچ یک از مقامات ارشد انصارالاسلام نه دانش آموخته حجره بودند و نه عالم اسلامی. در بهترین حالت، برخی از آنها «متفکران اسلامی» بودند؛^{۴۶} آنها دانشی جزئی از جهادگرایی سلفی داشتند که در برخی کتب درسی ساده‌انگارانه خلاصه می‌شد. جنگجویان یاد گرفته بودند که برنامه مذهبی را دقیقاً همان طوری که در این کتاب‌های درسی تدوین شده، اجرا کنند. پایگاه داده ما نشان می‌دهد که مقامات ارشد این نسل بین ۲۵ تا ۳۶ سال سن داشتند (به استثنای دو نفر)، در حالی که ۴۷ درصد از پایگاه شبه‌نظامی در گروه سنی ۲۸-۱۴ سال قرار داشتند. برخلاف شبه‌نظامی‌های نسل اول که زنان در آن حضوری پررنگ داشتند، جهادی‌های سلفی نسل دوم کلاً مخالف هرگونه حضور زنان بوده و آنها را در خانه به کار می‌گرفتند. اما عاملی که این گروه را بیش از همه از نسل اول متمایز می‌سازد، عدم هرگونه اشاره‌ای به کرد بودن است: آنچه در کردستان اتفاق افتاد، صرفاً بخشی از برنامه بزرگ جهاد بین‌المللی تلقی شد. با وجود انصارالاسلام، ما شاهد تغییر پارادایم جهاد ملی عثمان عبدالعزیز به پارادایم جهاد بین‌المللی اسامه بن لادن هستیم. به همین خاطر، انصارالاسلام در سال ۲۰۰۲ رسماً به القاعده پیوست و شاخه کردستان این سازمان شد.

یک تغییر ایدئولوژیک: گذار از شکل اسلام سنتی علمای کرد به اسلام جهادی-سلفی. یک تغییر پارادایمی: از جهاد در سطح ملی به بین‌المللی شدن آن. یک تغییر سازمانی: تغییر و تحول نهضت اسلامی کردستان (محلی) به القاعده (جهانی)، ظهور انصارالاسلام را به نقطه عطفی در سازمان جهادگرایی در کردستان بدل می‌سازد.^{۴۷}

باید اشاره کرد که رخنه گسترده جهادی‌های القاعده در شهر بیاره در اوایل ۲۰۰۲،^{۴۸} بعد از تخریب پایگاه خود در افغانستان از سوی امریکایی‌ها، نشانه جهانی شدن جهادگرایی کردی و قدرت آن بود که واقعیت آزاردهنده برای حکومت اقلیم کردستان و ایالات متحده محسوب می‌شد. در اینجا به دو تن از چهره‌های برجسته هجرت جهادی‌ها به کردستان اشاره می‌کنیم که سرزمینی تازه برای جهاد بین‌المللی به حساب می‌آمد: ابومصعب الزرقاوی و ابو وائل. بعد از حمله ارتش ایالات متحده به عراق در سال ۲۰۰۳، الزرقاوی رهبر جهادگرایان افراطی در عراق، همراه با اسامه بن لادن، یکی از خطرناک‌ترین افراد تحت تعقیب بر روی زمین شد.^{۴۹} در مقابل، او در دوران اقامت خود در کردستان همراه با جهادی‌های انصارالاسلام جانب احتیاط را رعایت کرده و تنها به حمایت پشت پرده بسنده نمود: بدون حضور رسانه‌ای، سخنرانی برای حامیان یا تمایل به تحمیل رهبری خود بر انصارالاسلام. در مورد ابو وائل که واشنگتن رسماً او را رابط بین اسامه بن لادن و صدام حسین می‌دانست، حضور وی در این منطقه هنوز یک معما یا حتی افسانه باقی مانده است. ایالات متحده او را گواهی دال بر همکاری رژیم عراق با یک

46. D. Benichou, F. Khosrokhavar and P. Migaux, *Le Jihadisme. Le comprendre pour mieux le combattre [Jihadism: Understanding it to Fight It More Effectively]*, Paris, Plon, 2015, p. 114.

47. A. Bakawan, op. cit. [35].

۴۸. برای تصویری کامل از اعزام نسل دوم جهادی‌ها به جنوب کردستان عراق، خصوصاً منطقه اورامان به نقشه جهادی‌های کردستان رجوع کنید که با همکاری بخش نقشه‌کشی روزنامه لوموند در ۶ ژانویه ۲۰۰۷ تهیه شده است، www.lemonde.fr.

۴۹. پاداشی که ایالات متحده برای دستگیری مرده یا زنده زرقاوی تعیین کرده بود، در نهایت به ۲۵ میلیون دلار رسید که با پاداش دستگیری بن لادن در سال ۲۰۰۴ برابری می‌کرد. ر.ک.

J.-P. Filiu, op. cit. [16], p. 157; X. Raufer, "L'Etat islamique, objet terroriste non identifié" [The Islamic State: An Unidentified Terrorist Object], *Outre-Terre*, No. ۳/zor (Vol. 44), pp. 31-44.

سازمان تروریستی بین‌المللی می‌دانست که فروپاشی این رژیم را نیز تسهیل کرد؛ اما آیا ابو وائل واقعاً رابط بین یک دیکتاتور سکولار و یک جهادی سلفی بود؟ ابو وائل که نام واقعی وی سعدون محمود الانی بود، یک عرب سنی با تحصیلات دانشگاهی (دانشکده حقوق) بود که در اوایل دهه ۱۹۸۰ به دستگاه اطلاعاتی رژیم عراق ملحق شد. بعد از شکست ارتش عراق در سال ۱۹۹۱ در برابر متحدان، او و بسیاری دیگر عراق تحت حاکمیت صدام حسین را به مقصد افغانستان القاعده ترک کردند. با توجه به تجربه او در حوزه اطلاعاتی، خیلی زود یکی از چهره‌های کلیدی در سازمان اسامه بن لادن شد.^{۵۰} ابو وائل که خطیبی بزرگ^{۵۱} با تسلط بسیار عالی بر قرآن و سنت بود و از شخصیت‌های فیزیکی و فکری با ابهت بود، مهارت‌های لازم برای بدل شدن به یک رهبر را داشت. متعاقب حمله ایالات متحده به افغانستان در سال ۲۰۰۱، او از طریق شهر بیاره که مقر کریکار بود و ابومصعب زرقاوی رفیق رزم خود را نیز آنجا یافت، به عراق بازگشت. او در سال ۲۰۰۳ انصارالاسلام را ترک کرد تا سازمانی جدید به نام انصارالسنه به وجود آورد. تا به امروز، هیچ شواهدی در دست نداریم که او نقش رابط بین رژیم بعث و القاعده را ایفا کرده باشد، هرچند این امر مانع آن شد که واشنگتن^{۵۲} از طرح این اتهام برای مشروعیت بخشیدن به اشغال عراق صرف‌نظر کند.

ارتش ایالات متحده به همین بهانه عملیات چکش وایکینگ^{۵۳} را برای حمله به بیاره طرح‌ریزی کرد. در ۲۱ مارس ۲۰۰۳، حملات موشک‌های کروز امریکایی بر سرزمینی فرو ریخت که تحت کنترل نسل دوم جهادی‌ها قرار داشت. نیروهای ویژه ایالات متحده،^{۵۴} به همراه چند هزار نیروی پیشمرگه اتحادیه میهنی کردستان به رهبری طالبانی به مواضع جهادی‌ها حمله کردند؛ بیاره در ۱ آوریل ۲۰۰۳ تحت کنترل امریکایی‌ها و کردها درآمد. نزدیک به ۲۰۰ جهادی کشته و ۷۰۰ تن به ایران عقب‌نشینی کردند.^{۵۵} چند ماه بعد، آنها دوباره به عراق برگشته و به سازمان القاعده عراق ملحق شدند که ابومصعب الزرقاوی بنیان نهاده بود.

50. Information gathered from a database of the Dabran Foundation, based in Sulaimani.

۵۱. با استفاده از لینک زیر می‌توانید به یکی از سخنرانی‌های وی در ۱۵ ژوئن ۲۰۱۰ گوش دهید:

<https://archive.org> (accessed 19th February 2017)

۵۲. در ۲۰ فوریه ۲۰۰۳، اریک لیسر، با تحلیل سخنرانی کالین پاول، وزیر امور خارجه ایالات متحده درباره پیوند احتمالی بین بغداد و بیاره نوشت: «یک عراقی به نام ابو وائل نقش رابط بین انصارالاسلام و نیروهای امنیتی بغداد را ایفا می‌کند. هرچند، حتی در داخل سی‌آی‌ای هم بر سر این ارتباط اختلاف نظرهایی وجود دارد؛ و رابرت مالی، مدیر برنامه خاورمیانه گروه بحران بین‌المللی، هیچ تردیدی ندارد که این گروه باعث نارضایتی‌های شدیدی در منطقه تحت کنترل خود شده است؛ اما منطقه‌ای است که بغداد کترلی روی آن ندارد و هیچ‌گونه شواهدی دال بر اتحاد استراتژیک با صدام حسین نداریم» ر.ک.

"les islamistes kurdes d'Ansar Al-Islam peuvent etre lies a Al-Qaida" [Kurdish Islamists of Ansar AI-Islam May Be Linked to Al-Qaeda], Le Monde, 16th February 2003, www.lemonde.fr (accessed 20 February 2017).

53. Operation Viking Hammer

54. B. Philip, "Les Etats-Unis ont ouvert un front nord au Kurdistan" [The United States Have Opened a Northern Front in Kurdistan], Le Monde, 25th March 2003, www.lemonde.fr (accessed on 20th February 2017).

55. C. Kutschera, "L'ascension d'Ansar Al-Islam" [The Rise of Ansar al-Islam], RFI, 16th March 2004, www.rfi.fr (accessed on 20th February 2017).

نسل سوم از جهادی‌ها

کردهای داعش

در حالی که عراق به رهبری پل برمر^{۵۶}، «ارباب جدید بغداد»^{۵۷}، غرق در خشونت و ناامنی بود، کردستان عراق که از اهریمن‌های رادیکال خود «پاک شده بود»، ثبات و امنیت چشمگیری را تجربه کرد. حکومت اقلیم کردستان با رشد اقتصادی ۱۲ درصدی که عمدتاً به خاطر درآمدهای بادآورده نفتی بود و ۹۴ درصد از اقتصاد آن را تشکیل می‌داد، بسیار زود خود را به‌عنوان یک طرف گفتگوی ممتاز بین طرف‌های خارجی در سطوح سیاسی و اقتصادی تثبیت کرد. قریب به ۸۰۰ شرکت خارجی در آنجا تأسیس شدند که ۵۰۰ مورد از آنها شرکت‌های ترکیه‌ای بودند، اما ایالات متحده (اکسان‌موبیل، شورون) و اروپا (توتال، اشنایدر، کارفور، لافارژ، اوشان) به لطف قانون بسیار سخاوتمندانه سرمایه‌گذاری که از سال ۲۰۰۶ اجرایی شد، نیز در این منطقه حضور پیدا کردند.^{۵۸} با اینکه وبگاه‌های وزارت‌های خارجه غربی به شهروندان خود درباره سفر به عراق هشدار می‌دهند، کردستان به خاطر اینکه به عنوان «دوبی جدید» عراق شناخته شده، از این محدودیت در امان مانده است.^{۵۹} حدود ۳۰ کشور در منطقه و همچنین کشورهای اروپایی کنسول‌گری‌های خود را در کردستان افتتاح نموده‌اند.^{۶۰} همچنین این اولین باری است که مهاجران کردی که در کشورهای غربی سکونت دارند، گروه گروه برای سرمایه‌گذاری و مشارکت در توسعه منطقه زادگاه خود به کردستان برمی‌گردند.

کردستان عراق که قریب به یک قرن منطقه جنگی بود، اکنون به جایی بدل شده که گردشگران، نه تنها اعراب عراقی بیمناک از حملات تروریستی بلکه گردشگران کشورهای دیگر از جمله ایرانی‌هایی که به دنبال جایی امن برای روابط جنسی و مشروبات الکلی هستند، را به خود جذب می‌کند.^{۶۱} در این دوران، مخالفان نیز هم‌زمان با شکل‌گیری نظام سیاسی حکومت اقلیم کردستان سر بر آوردند. انتخابات به صورت دوره‌ای برگزار شد و پارلمان به محلی برای بحث‌های بی‌پایان احزاب مختلف بدل شد. در سال ۲۰۱۳، کرسی‌های پارلمان به شیوه زیر تقسیم شدند: ۳۸ کرسی برای حزب دموکرات کردستان، ۲۴ کرسی برای جنبش تغییر (گوران)، ۱۸ کرسی برای اتحادیه

56. Paul Bremer

رئیس حکومت ائتلاف موقت عراق پس از حمله ایالات متحده به این کشور در سال ۲۰۰۳.

57. P.J. Luizard, "Irak: du premier au secondm andat. L'effondrement d'un systdme postcolonial", Le Debat, No. 126, 4/2003, pp. 62-75.

58. 'Au Kurdistan Irakien, Erbil vit son boom loin des bombes' [In Iraqi Kurdistan, Erbil Is Experiencing a Boom away from the Bombs], AFP, 23th June 2013, www.institutkurde.org (accessed on 25th February 2017).

59. N. Woolf, "Is Kurdistan the Next Dubai?", The Guardian, 5s May 2010, www.theguardian.com (accessed on 25th February 2017).

۶۰. در سال ۲۰۱۳، تعداد کنسول‌گری‌ها در اربیل به ۳۳ مورد رسید. به وبگاه رسمی حکومت اقلیم کردستان ر.ک.

<http://cabinet.gov.krd>

۶۱. در سال ۲۰۱۲، تعداد گردشگران در کردستان به دو میلیون نفر رسید، ر.ک.

R. Aziz, 'Les touristes au Kurdistan' [Tourists in Kurdistan], Rudaw, 28th January 2014, www.rudaw.new (accessed on 25th February 2017).

میهنی کردستان، ۱۰ کرسی برای اتحاد اسلامی کردستان (یکگرتو)، ۶ کرسی برای گروه اسلامی کردستان (کمال) و ۱ کرسی برای نهضت اسلامی کردستان.^{۶۲}

با همه این اوصاف، این چارچوب منطقه‌ای دستخوش تغییرات عمیقی شد. از پایان سال ۲۰۱۰، جهان عرب شاهد مجموعه‌ای از آشوب‌ها در تونس، مصر، لیبی، یمن، بحرین، سوریه و مناطق سنی‌نشین عراق بود که برخی از آنها حول محور انقلاب می‌چرخید. این وقایع کل نظام منطقه‌ای را برهم زد که تا آن موقع بر مجموعه‌ای از روابط قدرت ثابت بین و درون دولتی استوار شده بود. طبعاً، در جهان عرب و همچنین غرب، گفتمانی عمومی دربارهٔ زایش یک «انسان جدید» شکل گرفت، انسانی دموکرات، سکولار و غرب‌محور که خواهان زیر سؤال بردن این محمصه است که چرا باید تنها استئنا در منطقه‌ای اسلامی باشد.^{۶۳} تصور اینکه چشم‌انداز این انسان جدید به ابوبکر بغدادی، خلیفه آینده داعش، ختم شود، کاری بس دشوار بود. با این حال، ابوبکر البغدادی فردی بیش از حد رادیکالی بود که در کوتاه‌مدت عرصه را در اختیار خود گرفت. این شخصیت در عراق، سوریه، یمن، لیبی و حتی مصر و تونس دوران انقلاب را به دورانی سوق داد که در آن امکان تحقق رویای او وجود داشت؛ برپایی خلافت. در ۱۰ ژوئن ۲۰۱۴، موصل، بزرگترین شهر سنی‌نشین عراق، به دست داعش افتاد؛ در ۲۹ همان ماه، ابوبکر بغدادی به‌عنوان خلیفه مسلمانان جهان ظهور کرد.^{۶۴}

جامعه کردستان نیز مانند بسیاری از جوامع دیگر در سراسر خاورمیانه مستقیماً تحت تأثیر فروپاشی نه فقط دولت‌ها بلکه جوامع قرار گرفت. از فوریه ۲۰۱۱، جوانان اعتراضات بزرگی علیه حکومت اقلیم کردستان سازماندهی کردند؛ درگیری‌هایی با نیروهای شورشی پیش آمد و اعتراضات به خشونت کشیده شد و در نهایت این اجتماعات اعتراض‌آمیز توسط پیشمرگه‌ها سرکوب گردید^{۶۵} و ما شاهد ظهور نسل جدیدی از جهادی‌ها بودیم. در اوایل سال ۲۰۱۲، مقامات امنیتی کردستان پیرامون عزیمت جوانان کرد برای پیوستن به منازعه سوریه ابراز نگرانی کردند؛ در سال ۲۰۱۳، این عزیمت‌ها به نحوی مرتب سازماندهی شدند؛ در اوایل سال ۲۰۱۴، وجود کردهای داعشی به‌عنوان تهدیدی جدی برای حکومت اقلیم کردستان، هم در داخل و هم در خارج، قلمداد شد. در سال ۲۰۱۶، کردستان عراق به واسطهٔ مجموعه‌ای از حملات مختلف به لرزه درآمد: خودروهای بمب‌گذاری شده، حملات انتحاری، بمب‌گذاری‌های مجزا و غیره. در پایان همان سال، ۲۴۹ کرد داعشی سلاح در دست تلاش

۶۲. گوران، جنبش تغییر (در سال ۲۰۰۹ تحت رهبری نوشیروان مصطفی پایه‌گذاری شد)؛ یکگرتو، اتحاد اسلامی کردستان (شاخهٔ اخوان‌المسلمین کردستان، ۱۹۹۴)؛ کمال، گروه اسلامی کردستان (۲۰۰، علی باپیر)؛ نهضت اسلامی کردستان (۱۹۸۷). برای گزارشی مبسوط دربارهٔ تعداد کرسی‌های هر حزب به وب‌گاه رسمی پارلمان منطقهٔ کردستان رجوع کنید:

www.kurdistanparliament.org

63. Z. Yahia, "Les revolutions du monde arabe: la fin du mythe de l'exception" [The Revolutions in the Arab World: The End of the Myth of Exception], *Maghreb-Machrek*, Vol. 40/2011 (No. 210), pp.49-60. Also see H. Ben Hammouda, "L'orientalisme et les revolutions tunisienne et egptienne: pourquoi ne l'ont-ils pas aimee la revolution?" [Orientalism and the Tunisian and Egyptian Revolutions: Why Did They Reject the Revolution?] *Confluences Mditerrande*, Vol. 2/2011 (No. 77), pp. 63-74.

64. P. J. Lnzard, *Le piege Daech. L'Etat islamique ou le retour de l'Histoire*, Paris, La Ddcouverte, 2015.

۶۵. برای خوانندگان فرانسوی، در باب چالش نسل جدید کردها که حکومت اقلیم کردستان با آن مواجه است، ر.ک.

A. Quesnay, "Le mouvement de protestation au Kurdistan irakien" [The Protest Movement in Iraqi Kurdistan], *Noria*, 17th March 2012. www.noria-research.com (accessed on 26th February 2017).

کردند کنترل شهر کرکوک را در اختیار بگیرند که درست در تقابل با سال پیش، یعنی ۲۰۱۳، بود که دو جهادی به حملاتی در کردستان دست زده بودند. در سال ۲۰۱۳، تنها دو کرد داعش در داخل مرزهای حکومت اقلیم کردستان کشته شده بودند؛ در سال ۲۰۱۶ این تعداد به ۴۷ نفر رسید.^{۶۶}

کردهای داعش چه کسانی هستند: ادامه نسل دوم از جهادی‌ها یا نسلی جدید؟ تعداد تقریبی جهادی‌های این نسل چقدر است، چگونه رادیکال شده‌اند و این رادیکال شدن تا چه اندازه از دریچه سلفی‌گرایی بوده است؟ حکومت اقلیم کردستان باید به تهدید ناشی از این فرزندان ملت پردازد که به طرف دیگر مبارزه پناه برده‌اند: آیا بازگشت این جهادی‌های کرد می‌تواند باعث بی‌ثباتی نظامی سیاسی و اقتصادی حکومت اقلیم کردستان شود؟

در اوایل اوت ۲۰۱۴، حکومت اقلیم کردستان حدود ۱۰۲۵ کیلومتر مرز مشترک با داعش داشت. اوضاع از این هم بدتر شد و نزدیک به ۲ هزار جوان کرد تصمیم گرفتند که از جمله سربازان فعال خلیفه جدید، ابوبکر بغدادی، باشند، هرچند مانند اعراب سنی، آنها هم مجبور شدند علیه جامعه و حکومت خود بجنگند.

این نسل تازه از جهادی‌ها از جهات مختلف با دو نسل پیشین متفاوت است. نخست، در نهضت اسلامی کردستان و انصارالاسلام، ما می‌توانیم رهبران کاریزماتیک جهادی را تشخیص دهیم. هرچند، یکی از ویژگی‌های برجسته این نسل جدید دقیقاً همین فقدان یک رهبری واحد است: در بین آنها نه می‌توانیم چهره‌ای مانند عثمان عبدالعزیز، از مرجع‌های بزرگ اسلام سنی کردی، پیدا کنیم و نه کسی مانند ملا کریکار، نظریه‌پرداز اسلام‌گرایی رادیکال می‌یابیم که بتواند عوام را حول ایدئولوژی سیدقطب بسیج کند.^{۶۷} محل رادیکال شدن نیز یکی دیگر از تفاوت‌های برجسته این نسل است. در حالی که نسل اول و دوم شبه‌نظامیان در مساجد مشهور نهضت‌های اسلامی رادیکال (یک مسجد جهاد محور در سلیمانیه، مسجد ابن تیمیه در حلبچه و غیره)، رادیکال شده بودند، نسل سوم شبه‌نظامیان از طریق فیسبوک رادیکال می‌شوند. به لحاظ فرهنگی، این شبه‌نظامیان به شیوه زیر متحول می‌شوند: در حالی که اسلاف آنها از قرآن و سنت، منابع مشروعیت‌بخش اقدامات جهادی، آموخته بودند، این فرهنگ مذهبی در نسل سوم شبه‌نظامیان به چشم نمی‌خورد. آنها نه عربی صحبت می‌کنند و نه اهمیتی به آموختن این زبان می‌دهند. در کردستان، عربی هم مانند انگلیسی یک زبان خارجی به شمار می‌آید که در مدرسه تدریس می‌شود؛ هرچند ۸۳ درصد از این جهادی‌های جدید هیچ صلاحیتی ندارند. بنابراین، عربی نمی‌دانند و به خاطر روگردانی کردها از ترجمه متون مقدس، به قرآن و سنت هم دسترسی ندارند.^{۶۸} درباره خاستگاه اجتماعی و فعالیت‌های این جهادی‌ها اطلاعات زیادی در دست نیست: ۲۷ درصد از آنها بیکارند؛ ۴۱ درصد کارگر یا شاغل، ۲۵ درصد دانشجو بوده و تنها ۷ درصد از آنها پیش از پیوستن به داعش در مشاغل دولتی مشغول به خدمت بوده‌اند. سن و سال، یکی دیگر از ویژگی‌های بارز آنها است: به غایت جوان بوده و ۷۵ درصد از آنان در بازه سنی ۱۴ تا ۲۹ سال هستند.

۶۶. تمام داده‌هایی که در این بخش ارائه شده‌اند، برگرفته از پایگاه داده درباره کردهای داعش هستند که با حمایت بنیاد دبران در سلیمانیه ایجاد شده است.

۶۷. سید قطب (۱۹۶۶-۱۹۰۶) به طرح مجموعه‌ای از نظریات درباره قلمروی اسلام و قلمروی کفار پرداخت. او از زمان اعدام خود در ۲۹ اوت ۱۹۶۶ به دست جمال عبدالناصر یکی از مراجع برجسته رهبران جهادی بوده است. ر.ک.

See: G. Kepel, Jihad, op. cit. [19].

۶۸. ترجمه‌های متعددی از قرآن وجود دارد اما اسلام‌گرایان هرگز آنها را جدی نگرفته‌اند.

از نظر ایدئولوژی، ما با یک خلأ کامل مواجه هستیم: ۶۸ درصد از اعضای این نسل فیسبوکی، پیش از مواجهه با داعش، هرگز با یک اسلام‌گرا یا ایدئولوژی سکولار ارتباط نداشته‌اند.^{۶۹} بنا بر پژوهش ما، تنها ۲۳ درصد از آنان با سطحی حداقلی از ایدئولوژی سلفی‌آشنایی دارند که در نحوه پوشش آنها نمود پیدا می‌کند: ریش، عرق‌چین و یک قمیص^{۷۰} که تا بالای قوزک پا می‌آید.^{۷۱} ارتباط آنها با نهضت‌های اسلامی حاضر در نظام سیاسی حکومت اقلیم کردستان بسیار ضعیف است: تنها ۶ درصد از اعضای سه نهضت اسلامی شناخته‌شده کردستان (یکگرتو، کمال و بزوتنه‌وه) بوده‌اند. این واقعیت به ما امکان می‌دهد تا تأکید روشنی بر این نظریه داشته باشیم که گذار از طریق اسلام‌گرایی قانونی یکی از پیش‌شرط‌های ورود به عرصه رادیکالیسم است.^{۷۲}

این نسل از جهادی‌های جوان و بدون تحصیلات و عاری از ایدئولوژی و با پیشینه اجتماعی نامساعد، تدریجاً به تهدیدی مستقیم برای امنیت و ثبات حکومت اقلیم کردستان، خصوصاً بعد از ناکامی‌های نظامی داعش در سرزمین‌های کنونی بین عراق و سوریه، بدل می‌شوند. این جوانان که تازه رادیکال شده‌اند، عملاً چیزی برای از دست دادن ندارند؛^{۷۳} آنها توانایی انجام حملات در سراسر قلمروی کردستان عراق را دارند. این جنگجویان جدید که «چیزی برای از دست دادن ندارند» از شهر بسیار امن اربیل گرفته تا آخرین روستا در مرز عراق-ایران تا سلیمانیه، حلبچه، دربندیخان، عنکاوا و رانیه فضای قابل توجهی برای اقدام دارند. از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۶، ۲۸۷ تن از تروریست‌های نسل سوم به ۱۴ عملیات بزرگ در داخل قلمروی تحت حاکمیت حکومت اقلیم کردستان دست زده‌اند. نیروهای امنیتی کرد ۳۷ نفر از آنها را کشته و ۱۳۵ تن دیگر را نیز مجروح کرده‌اند. تعداد تروریست‌های کشته شده بر ۵۶ تن بالغ می‌شود؛ در عین حال ۶۰ تن نیز به اسارت نیروهای امنیتی حکومت اقلیم کردستان درآمده‌اند. این عملیات‌ها ماهیت متفاوت و متنوعی داشته‌اند: حملات انتحاری، خودروهای بمب‌گذاری شده، حملات ناگهانی به سازمان‌ها، ترورهای سیاسی و غیره.

۶۹. باید توجه داشت که در کردستان عراق، همانند اکثر کشورهای خاورمیانه، دو دسته‌بندی اسلامی/سکولار به عنوان چارچوبی برای تعریف تعلقات فکری مشارکت‌کنندگان مورد استفاده قرار می‌گیرد. سکولاریسم نه تنها یک اصل حقوقی بلکه طبقه‌بندی ایدئولوژیک در تضاد با اسلام‌گرایی است. ر.ک.

P.-J. Luizard, "Laïcites autoritaires en terre d'Islam" [Authoritarian Secularism in the land of Islam], Paris, Fayard, 2008.

70. Qamis

نوعی پیراهن‌های بلند شبیه به لباس شب پوشیده یا عبا هستند که در بسیاری از فرهنگ‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. (م)

۷۱. مصاحبه‌هایی که اعضای تیم من با این افراد در زندان‌های حکومت اقلیم کردستان انجام داده‌اند، نشان می‌دهد که برای این طبقه، سلفی‌گرایی با سه نماد تعریف می‌شود: ریش، عرق‌چین و قمیصی تا بالای قوزک پا. در مقابل، به ندرت می‌توانند آیه از قرآن به عربی بخوانند.

72. A Bakawan, "la deconversion des mouvements islamistes" [the Deconversion of Islamist Movements], conference on "Autoritarisme, terrorisme et démocratie au Moyen-Orient" [Authoritarianism, Terrorism and Democracy in the Middle East], Paris, Senate, KESCC, 1st October 2016, www.senat.fr

در جریان این کنفرانس، از سطح معاشرت و اختلاط برخی از مفسران سیاسی و دانشگاهیان با بازیگران اسلام‌گرای حاضر در نظام سیاسی و بازیگران تروریستی مانند داعش و القاعده جا خوردم. درست است که اسلام‌گراها و تروریست‌ها بر سر اسلام اتفاق نظر دارند؛ با این حال، در ذهن سیاسی تروریست‌ها، خطر بازیگران اسلامی حاضر در نظام سیاسی چندان کمتر از بازیگران سکولار نیست.

۷۳. این تصور عموماً در مصاحبه با کردهای داعش در حکومت اقلیم کردستان شنیده می‌شود؛ ۱۷۵ ساعت گفتگوهای جهادی‌ها به زبان کردی در پایگاه داده ما موجود است.

شیوه تلقی و برخورد حکومت اقلیم کردستان با این تهدید به سرعت در حال تحول و دگرگونی است. برخی از چهره‌های کرد که مسئولیت مبارزه با تروریسم در کردستان را برعهده دارند (وزرا، معاونان، رؤسای امنیتی در دو منطقه تحت نفوذ حزب دموکرات و اتحادیه میهنی) به ارائه تحلیل‌های خود در این رابطه پرداخته‌اند. مصاحبه‌ها نشان داد که سرکوب با تمام ابزار ممکن ظاهراً تنها استراتژی است که حکومت اقلیم کردستان در پیش گرفته است و اهمیت چندانی برای رادیکال‌زدایی قائل نشده است. به گفته مسعود بارزانی، حکومت اقلیم کردستان ۶۰ درصد از بودجه خود را صرف جنگ با داعش می‌کند.^{۷۴} دو سازمان اطلاعاتی اصلی، پاراستن و زانیاری،^{۷۵} بخش زیادی از این بودجه را دریافت می‌کنند؛ هرچند، در سراسر قلمروی حکومت اقلیم کردستان، حتی یک مرکز پژوهش علمی برای مطالعه درباره رادیکال شدن، تروریسم یا خشونت وجود ندارد، چه رسد به یک استراتژی برای خروج از خشونت.

در طول زمان، در زمینه کارآمدی و تأثیرگذاری این رویکرد شک و تردیدهایی به وجود آمده است. در سال ۲۰۰۳، وقتی نسل دوم جهادی‌های انصارالاسلام با کمک نیروهای ویژه آمریکا به لحاظ نظامی درهم کوبیده شده و نابود شدند، حکومت اقلیم کردستان خود را متقاعد ساخت که جهادگرایی در کردستان به تاریخ سپرده شده و جامعه کردستان از «آسیب» جهادی‌ها خلاص شده است.^{۷۶} ده سال بعد، همان جامعه نسل سومی از جهادی‌هایی را به بار آورد، کردهای داعشی و سازمان آنها از سازمان گراهای نسل دوم هم بزرگتر است: انصارالاسلام تنها ۷۰۰ عضو داشت؛ کردهای داعش تقریباً به ۲ هزار نفر می‌رسند.

نتیجه‌گیری

چه چیزی شهروندان کردستان را به جهادگرایی سوق می‌دهد؟ این پرسشی بسیار موجه است، زیرا در روایت کلان ملی‌گرایان کرد،^{۷۷} «مردم کرد» عموماً قربانیان حمله ۱۴۰۰ سال پیش اسلام تصویر می‌شوند: آنها با زور شمشیر به اسلام گرویده‌اند و قلمروی آنان امروزه در اشغال مسلمانان عرب (در عراق و سوریه)، ترک‌ها (ترکیه) و فارس‌ها (ایران) است. مسلمانان جهان مدرن هم عمدتاً مانند هم‌قطاران خود در صدر اسلام به نام همان مذهب بازگشته‌اند تا کار نابودی مردم کردستان را از طریق عملیات انفال (نسل‌کشی کردها به دستور صدام حسین) تمام کنند. این مسلمانان هم در حلبچه از سلاح‌های کشتار جمعی استفاده کرده و تنها در عراق بیش از ۲ هزار روستای کردنشین را نابود کردند. در اوایل دهه ۱۹۷۰، ملی‌گرایان کرد به طرح روایتی رسمی علیه اعراب عراقی پرداختند: به گفته مردم: «ما دیگر قرآن شما را نمی‌خواهیم، ما آن را پشتِ شتر به شما باز می‌گردانیم».

74. Interview with Masoud Barzani, Rudaw, ۲۳th January ۲۰۱۷, www.rudaw.net (accessed on ۲۴th January ۲۰۱۷).

۷۵. حزب دموکرات و اتحادیه میهنی در مسائل اطلاعاتی در سطح برابر با هم تبادل دارند. حزب دموکرات سازمان پاراستن و اتحادیه میهنی سازمان زانیاری را مدیریت می‌کند. هماهنگی بین این دو سازمان بسیار محدود است؛ عملکرد آنها به نحوی است که گویی بخشی از دو حکومت مختلف هستند. حتی گزارش‌هایی مبنی بر اتهامات متقابل در خصوص مسائل بسیار حساس بین مسرور بارزانی، رییس پاراستن و پسر کوچک مسعود بارزانی و لاهور شیخ جنگی، رییس زانیاری و عموزاده محبوب جلال طالبانی در رسانه‌ها وجود دارد. برای اطلاعات بیشتر، ر.ک.

www.youtube.com, the Washington Institute for Near East Policy interview with Iahur Talabani, ۲rd November, 2015.

۷۶. مصاحبه با ملا بختیار، اظهارات با علامت سؤال گفته‌های بختیار بوده و فرهنگ سیاسی طبقه حاکم کردستان را به خوبی نشان می‌دهند.

77. A. Ali, Le Nationalisme kurde [Kurdish Nationalism], Erbil, Rojhalat, 2008.

در این روایت که مورد توجه اکثر کشورهای غربی قرار گرفته است، کردها مردمی دوست و سکولار و درگیر جنگی جهانی علیه تروریسم ترسیم می‌شوند.^{۷۸} با همه این اوصاف، هنوز شکاف زیادی بین روایت کلان استوار بر ایدئولوژی‌های ملی‌گرایان و واقعیت جامعه کردستان وجود دارد. ما در مقالات دیگر به ابعاد مختلف این واگرایی پرداخته‌ایم.^{۷۹} بنابراین، ما همچنان اعتبار این روایت را زیر سؤال می‌بریم: اگر این واقعیت جامعه کردستان است، پس چطور می‌توانیم تاریخچه ۳۷ سال جهادگرایی در کردستان، حضور گسترده ایده‌های جهادی از یک نسل به نسل بعد و گذار شبه‌نظامیان از نهضت اسلامی کردستان به انصار و داعش را توضیح دهیم؟

رسانه‌های ملی‌گرای کرد در راستای تقلیل خاستگاه‌های این جهادی‌های کرد تلاش می‌کنند: «آنها کردهای واقعی نیستند» یا «از جاهای دیگر می‌آیند». این انکار، واقعیت‌ها را نادیده می‌گیرد. با وجود این، ما باید قبول کنیم که جهادگرایی همواره در جامعه کردستان جای داشته است. جهادی‌های کرد از افغانستان یا عربستان سعودی نمی‌آیند، بلکه ریشه در اعماق جامعه کردستان دارند: زبان آنها، خصوصاً نسل سوم، کردی است و در مدارس حکومت اقلیم کردستان تحصیل کرده‌اند، هرچند ممکن است موفق به اخذ مدرک پایان تحصیلات نشده باشند. این جهادی‌های شبه‌نظامی در واقع بخشی جدایی‌ناپذیر از جامعه کرد عراق هستند که بیش از یک قرن است که ۹۴ درصد آن را مسلمانان اهل سنت تشکیل داده‌اند. در واقع، اسلام از نظر الگوها و چارچوب اندیشه، اصل حاکم بر این جامعه بوده است.

با اینکه این اصل ذاتاً کثرت‌گرا بوده و می‌تواند پیکره‌بندی^{۸۰} شود، اما هم‌زمان مطابق با واقعیت‌های نمایندگان خود پیکره‌بندی می‌شود. ارتباط پویایی بین جهادی‌ها و اسلام وجود دارد: کردهای داعشی به نام اسلام است که خودروهایی بمب‌گذاری شده خود را منفجر می‌کنند. هرچند، این ارتباط بیشتر یک برساخته موقعیتی^{۸۱} محسوب می‌شود تا ساختاری. اسلام سخن نمی‌گوید؛ بلکه در مسیر حرکت پیروانش به سخن درآمده است؛ اما این مسیر حرکت در گذشته و حال حاضر با فرهنگ خشونت در کردستان ارتباط متقابل داشته و آن را برمی‌انگیزد: دست‌کم یک قرن است که کردستان سرزمین آتش و خون، خط مقدم جنگ بین ملی‌گرایان کرد و برخی دیگر از دولت‌های منطقه بوده است. از زمان انقلاب‌های جهان عرب، اقلیم کردستان به دفعات عرصه درگیری بین جوانان کرد و نیروهای حکومتی شده است. همچنین عمدتاً از رهگذر شبکه‌های اجتماعی شاهد اشکال جدیدی از خشونت بوده است: به عنوان نمونه، تصورات جهادی‌ها تحت تأثیر صحنه‌های هالیوودی خشونت قرار دارد. در کنار همه این عوامل، ظهور طبقات اجتماعی جدید، اجرای تأثیربرانگیز سازوکارهای محرومیت اجتماعی و تبعیض (یک نسل بدون امید یا تحصیل، متزلزل و مستأصل محکوم به زندگی در خیابان‌ها^{۸۲})، در حال ایجاد جبهه‌هایی برای تداوم

78. O. Weber, op. cit, [1]

79. A. Bakawan, "Lechec du nationalisme kurde: fragmentation, partisanisation, milicisation" [The Failure of Kurdish Nationalism: Fragmentation, Partisanism, Militisation], Confluences Méditerranée, Vol. 1/2017 (No. 100), pp. 89-100.

80. configured

81. situational construction

۸۲. در سال ۲۰۰۸ و به دنبال توسعه اقتصادی حکومت اقلیم کردستان، ما رهبری گروهی پژوهشی در کردستان را درباره جوانان و رابطه آنها با جهان سیاسی برعهده داشتیم. از زاخو تا حلبچه و دهوک و اربیل و کرکوک و سلیمانیه، با ۵۳۶۶ نفر مصاحبه کردیم. در پاسخ به این پرسش: «کدام یک از بازیگران زیر بهترین

مسیر حرکت جهادی‌های کرد هستند؛ و در نهایت، ادغام سه نهضت اسلامی عمده (اتحاد اسلامی کردستان، گروه اسلامی کردستان و نهضت اسلامی کردستان) در نظام سیاسی حکومت اقلیم کردستان باعث سرخوردگی بسیاری از چهره‌های اسلام‌گرایی شده است که معتقدند رادیکالیسم معنای تازه‌ای به زندگی آنان بخشیده است و این سرخوردگی همچنان ادامه خواهد داشت. این واقعیت که اسلام‌گراها، کسانی که اغلب بسیار جوان هستند، احزاب سیاسی را برای پیوستن به دولت اسلامی یا القاعده ترک می‌گویند، نشانه‌ای است که نسل اول نهضت‌های اسلامی با موفقیت در نظام سیاسی کردستان ادغام نشده‌اند. به همین دلیل، ملی‌گرایان اغلب آنها را به توانمندسازی شبه‌نظامیان برای پیوستن به سازمان‌های تروریستی متهم می‌کنند.

در هر صورت، هشت دلیل رادیکال شدن جوانان کرد که در بالا ذکر شد (اسلام، فرهنگ خشونت، جهانی شدن خشونت، شبکه‌های اجتماعی، انقلاب‌های جهان عرب، محرومیت اجتماعی و ادغام نهضت‌های اسلامی در نظام سیاسی) باید مورد تجزیه و تحلیل بیشتر قرار بگیرند و ما امیدواریم در آینده در این راستا گام برداریم.

موقعیت برای نمایندگی منافع جوانان را دارند؟» ۹۱ درصد از پاسخ‌دهندگان فکر می‌کردند که احزاب سیاسی در راستای نمایندگی منافع آنان گام بر نمی‌دارند؛ ۹۶ درصد فکر می‌کردند که پارلمان و حکومت نیز به همین منوال هستند؛ ۲۱ درصد به اتحادیه‌های تجاری اعتماد داشتند. نتایج این پژوهش در کتابی در کردستان منتشر شد:

A. Bakawan, Komalgarech [The Black Society], Sulaimani, Andesha Publishing, 2013.



Report Code : 97-53

Three Generations of Jihadism in iraqi Kurdistan

French Institute of International Relations (Ifri)

Adel Bakawan

**Translated By
Presidential Center for Strategic Studies
2018**